

دیلماسی دوچرخه

دوچرخه سواری سفرای مقیم تهران به همراه شهردار در خیابان‌های پایتخت



مسیر این دوچرخه سواری شامل خیابان مسیر دوچرخه بلوار کشاورز، میدان ولیعصر مسیر دوچرخه بلوار کریمخان، میدان هفت تیر، خیابان مفتاح جنوبی زیر گذر سعدی، خیابان اکباتان، میدان امام خمینی (ره)، خیابان امام خمینی (ره)، خیابان فیاض بخش در شماره یک پارک شهر بود

به یک درصد تا پایان سال جاری خبر داد. وی تأکید کرد: یکی از عارضه‌های کلانشهرها کم تحرکی و بیماری‌های ناشی از آن است. لذا دوچرخه سواری علاوه بر اینکه یکی از مدهای حمل و نقلی است به دید سلامت نیز به آن می‌نگریم. در حال حاضر حدود ۱۷۰ کیلومتر مسیر دوچرخه در تهران وجود دارد که ۴۰ کیلومتر آن جدیداً احداث شده، کاری که در همه مناطق شهرداری تهران در حال توسعه است و مقرر شده سهم دوچرخه که از ابتدای این دوره نیم درصد بوده در دوره‌ای پنج ساله به چهار درصد افزایش پیدا کند. امیدواریم تا آخر امسال این رقم به یک درصد برسد.

۱۸۰ نماینده ماشین مناسب نداشتند!

دفاع سخنگوی هیأت رئیسه مجلس از واگذاری خودرو به نمایندگان

هم این خودروها به درد مجلس نمی‌خورد که بخواهد به مجلس برگردد؛ زیرا عملاً مستهلک می‌شود و قابل استفاده نیست، اما آنچه در مورد تفاوت قیمتی گفته می‌شد عملاً برای نمایندگان امکان‌پذیر نیست. نماینده مردم تبریز در مجلس با بیان اینکه این خودروها برای انجام وظایف نمایندگی در اختیار نمایندگان قرار می‌گیرد، تأکید کرد: اینها وسایل رفاهی نیستند. هم‌ترازان نمایندگان که وزرا هستند گاهی ده‌ها خودرو در اختیارشان است اما در مجلس چنین امکانی نیست. استانداران، فرمانداران و بخشداران امکانات وسیعی دارند.

شاسی بلند می‌خواهم

لطف‌الله سیاهکلی دیگر نماینده مجلس که اتفاقاً یکی از خودروها را دریافت کرده است، گفت: من الان برای رفتن به مناطق روستایی در جاده‌های کوهستانی باید شاسی بلند در اختیار داشته باشم در حالی که در دوره گذشته ماشین‌های شاسی بلند به نمایندگان داده شد و اکنون هم این ماشین را اگر بفروشم با ۴۰۰ میلیون اضافه نمی‌توانم شاسی بلند بخرم. به گزارش ایلنا، وی ادامه داد: ما از جیب خودمان ماشین می‌خریم و در طول ۴ سال این ماشین اسقاط می‌شود؛ آیا این درست است که این هزینه از جیب من نماینده باید

سخنگوی هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی با اشاره به حواشی ایجاد شده در مورد تحویل خودروی دنایلاس به نمایندگان متقاضی گفت: انتظار بجا از مجلس این است که موضوع خودرو را به سامان مشخصی برساند. به گزارش ایسنا، محمدحسین فرهنگی در حاشیه جلسه علنی صبح امروز سه‌شنبه مجلس در جمع خبرنگاران، گفت: موضوع تحویل خودرو که در فضای مجازی مورد بحث قرار گرفته، به صورت جانبی در جلسه غیرعلنی مطرح شد و بحث‌های پراکنده‌ای صورت گرفت. توضیح لازم این است که اولاً اینکه خودروهای تولید داخل در اختیار نمایندگان قرار گیرد تازگی ندارد و در همه ادوار سابقه داشته است. ضمناً ۱۸۰ نفر از همکاران ما در مجلس یازدهم سابقه نمایندگی نداشتند و اینها خودروی مناسبی برای سرکشی به حوزه‌های انتخابیه در اختیارشان نیست. وی با بیان اینکه معمولاً کسانی که مسئولیت‌های پایین‌تری دارند خودروهای متنوعی در اختیار دارند، یادآور شد: این رویه در گذشته وجود داشته و اما تنها فرقی این بود که قبلاً به نام نمایندگان شماره‌گذاری می‌شد، اما این دوره به نام مجلس شماره‌گذاری شده است و امکان واگذاری ندارد. هر چند بعد از پایان دوره

#دفاع مقدس

یگانه خدای خبرنگار



در هفته دفاع مقدس روایت‌ها و نوشته‌های زیادی را درباره دوران جنگ ایران و عراق در شبکه‌های اجتماعی می‌خوانیم. کاربرانی که اعضای خانواده‌شان از رزمندگان بودند درباره خاطرات آنها می‌نویسند یا از مشکلات جانبازان و خانواده‌های شهدا. پس از پخش مستندی درباره دفاع مقدس در یکی از شبکه‌های فارسی زبان خارجی هم بحث‌های زیادی درباره آن در شبکه‌های اجتماعی و بین کاربران ایرانی شکل گرفت. همچنین تصاویری از دوران دفاع مقدس در این روزها مرتباً بازنشر می‌شود:

«چهلمین سال حمله عراق را فراموش نکنیم. اولین جنگ مهمی که در دو قرن اخیر در تاریخ ایران روی داد و ایران خاک مقدسش را از دست نداد. این به خاطر از خودگذشتگی پاسداران، ارتش و صدها هزار مرد و زن داوطلب بود که با جان نثاری حماسه آفریدند. یادشان گرامی.»

«خاطره من از جنگ با بقیه فرق می‌کند. خاطراتم مال دستگاه کپی عکاسی سر خیابان شیخ هادی بود. کپی شناسنامه ۱۳۵۰ رو با تیغ تراشیدم، کردم ۱۳۴۷. باهمون کپی دو تا سه ماه رفتم منطقه.»

«خانواده محمدرضا پهلوی بعد از اینکه از ایران فرار کرده‌اند به همراه نزدیکان تیمور بختیار، رئیس پیشین ساواک و شاپور بختیار، نخست‌وزیر پیشین ایران به صدام کمک کردند تا جنگ به سود او به پایان برسد.»

«با یه مادر شهید مصاحبه کردم گفت: پسر ۱۶ سالش بود؛ گفت: می‌خوام برم، می‌خوام برم جنگ. گفتم: مادر! درستو بخون بعد برو. گفت: نه تا من درسمو بخونم جنگ تموم میشه... برای اینکه بره رفت شناسنامه یه سال بزرگتر گرفت... تو چشمای مادر شهید حسرت دیدار بود.»